

# تفسیر آیه « الرجال قوامون علی النساء » و بیان دیدگاه های حقوقی مربوط به آن

عزت الله مولایی نیا  
دکترای علوم قرآن و حدیث

## چکیده:

با توجه به مسائل اجتماعی مطرح شده در مورد آیه ۳۴ سوره نساء، مولف، تحقیقی نسبتاً جامع را در همین باره به رشته نگارش درآورده است. در آغاز مقاله، واژه‌های آیه و مفاهیم آن و آراء تفسیری اندیشمندان، مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است. ولایت مردان بر زنان از مباحث عمده‌ای است که در این مقاله با تأکید ویژه‌ای بدان پرداخته شده است و بحث‌های روانی مربوطه و آراء مفسران نیز طرح شده است.

کلید واژه ها: قرآن، تفسیر، نساء / ۳۴

## مقدمه:

دیرزمانی است که نقد و بررسی پیرامون «قیومیت» مردان بر زنان به گونه مطلق در محافل علمی و اجتماعی، دل مشغولی بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران و حقوقدانان جهان بوده و از همین رهگذر، نگارش های فراوانی را در درازای تاریخ به خود اختصاص داده است،

حجم بزرگی از کتابخانه‌های عالم را تشکیل داده، ارباب مکاتب گوناگون پیرامون آن تلاش کرده و بر نظریه خویش پافشاری و استدلال‌هایی نموده‌اند.

در این راستا، قرآن کریم که معجزه جاویدان رسول خاتم محمد مصطفی (ص) و تنها کتاب آسمانی تحریف نشده و تحریف ناپذیر عالم بوده و از سوی آفریدگار عالم برای انسان، پیام داشته و با عنایت به ابعاد زندگی بی پایان و جاویدان وی از روی علم و حکمت و مصلحت، برنامه‌ریزی دقیقی نموده و این مسافر ارجمند را از تیره پشت پدر تا قرار مکین مادر و از آنجا تا دنیای خاک و از عالم خاک تا برزخ و روز محشر، بدرقه کرده است و در تمامی مراحل زندگانی پریچ و خمش او را با برنامه‌های حکیمانه‌اش، مورد لطف و عنایت قرار داده است. و روابط وی را با خالق هستی و با هم‌نوعان خود و بالاخره با خویشتن خویش و تعامل دو جنس گوناگون او «زن، مرد» را به صورتی که ضامن سعادت آن دو باشد، پی‌ریزی نموده است.

گرچه روابط فردی و اجتماعی زن و مرد در جای جای قرآن کریم به تناسب حال و در گونه‌های متفاوت به تصویر کشیده شده است ولی با توجه به محدودیت زمانی و تنگی حوصله این مقال، تنها یک تا دو آیه از آیه‌های مربوطه به روابط حقوقی زن و مرد - خواه در عرصه اجتماع به صورت کلان و خواه در عرصه خانواده در محدوده روابط زناشویی - را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم و پژوهش در موارد دیگر را به فرصت دیگری، وا می‌گذاریم.

الف - آیه «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض...»

پیش از بحث و بررسی احکام فقهی و تفسیری در مورد «آیه»، باید دیدگاه‌های لغت‌شناسان قرآنی و حدیثی را جوینا شده و نخست واژه‌های کلیدی آیه «الرجال» را مورد بحث و بررسی دقیق قرار دهیم، آنگاه به بررسی دیدگاه‌های مفسران و فقهای اسلامی، پردازیم. واژه‌های کلیدی آیه عبارتند از:

قوام - بما فضل الله - بما انفقوا - الرجال

«قوام»

قیام بر سه گونه است:

۱ - قیام به شخص .

۲ - قیام بر شیء.

۳ - قیام بر عزم و اراده بر چیزی.

قیام به شخص یا قیام به تسخیر است و یا قیام به اختیار و آیه «الرجال قوامون...»<sup>۱</sup> از همین معنی است که به اختیار خویش، قیام به تدبیر امور زنان می‌نمایند و قوام بر زن و مرد اطلاق می‌شود ولی در حقیقت برای مردان، وضع شده و در مورد زنان، مجازاً به کار می‌رود به دلیل آیه «الرجال قوامون علی النساء» چرا که در برابر «نساء» بکار رفته است.<sup>۲</sup>

قام یقوم قوماً و قومه و قیاماً و قام: ضد «قعد».

قام الامر: اعتدل، قام الرجل المرأة و علیها: قام بشأنها.

«القوام» کشداد: الحسنة القامة، والقوی علی القیام بالامر، والامیر، جمع: قوامون.<sup>۳</sup>

قوام الامر بالكسر: نظامه و عماده، فلان قوام اهل بینه و هوالذی یقوم بشأنهم و قوله: «ولا تؤتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاماً»<sup>۴</sup> به همین معنی، تفسیر شده است.

و قوام الامر: ملاکه الذی یقوم به<sup>۵</sup>

قوام: ولایت امر، ولی امر کسی بودن؛ قیام و قیوم؛ صیغه مبالغه و از صفات ذات اقدس ربوبی بوده و به معنی القائم بامور الخلق، و مدبر عالم در همه احوال است و اصل آن، از قیوام و قیوم و قیووم بر وزن: فیعال و فیعل و فیعول می‌باشد و حدیث «ما افلح قوم قیمهم امرأة» به همین معنی «ولی امر و مدبر امور» آمده است.<sup>۶</sup>

گاهی «قیام» به معنی «محافظة» و اصلاح آمده و «قوامون» در «الرجال قوامون علی النساء...»<sup>۷</sup> به همین معنی محافظه و اصلاح گر شأن زنان، تفسیر شده است، همانگونه که در آیه «الا ما دمت علیه قائماً»<sup>۸</sup> به همین معنی بیان شده است.<sup>۹</sup>

«قوم» در اصل، مصدر بوده و بر اثر کثرت استعمال، اختصاص به مردان یافته است چرا که مردان در اموری که زنان در آن کارائی ندارند، قوام و ولی آنان می‌باشند.<sup>۱۰</sup>

و «قیم» یعنی آقا، سید، سرور، سرپرست و سیاست گزار امور و قیم المرأة: زوجها چرا که شوهر، همه نیازهای همسرش را فراهم کرده و عهده دار تدبیر و مدیریت شئون وی می‌باشد.<sup>۱۱</sup>

فراء، لغت شناس معروف، «قیم» را بر وزن «فعلیل» از ماده «قوم» و «قوام» را بر وزن «فعال» گرفته و معتقد است که در زبان عرب وزن فاعل و فاعل، نیامده است و لکن دیدیم که ابن اثیر جزری و همچنین سیبویه، مخالف این نظریه بودند و قوام را در تکفل امور و سرپرست امور زیردستان، می دانند.<sup>۱۵</sup>

مرحوم طریحی نجفی، لغت شناس معروف شیعی در تفسیر «قوامون» می گوید: یعنی: مردان بر زنان حق ولایت و حکومت و سرپرستی داشته و صاحب اختیار آنان می باشند. دلیل این حق ولایت و حاکمیت، دو چیز است:

۱ - موهبتی و فطرتی که از جانب پروردگار عالم به وی ارزانی شده و در امور فراوانی بر زنان برتری پیدا کرده است، از قبیل: کمال عقل، حسن تدبیر امور، قدرت جسمی و روحی در عرصه های گوناگون: علمی، عبادی و از همین رهگذر، مقام شامخ نبوت و رسالت و امامت جامعه، ولایت امر مردم، اقامه حدود و شعائر، جهاد در راه خداوند، پذیرش شهادت وی در همه موارد شهادت، فزونی در ارث، دیه و ... از آن مردان شده است.

۲ - اکتسابی است چرا که مردان، عهده دار نفقه زنان و صداق و مزد یا اجرت آنان هستند با آنکه بهره ازدواج، از آن هر دو می باشد.<sup>۱۶</sup>

و «با» در «بما فضل الله» و «بما انفقوا» با سببیت و «ما» مصدریه است یعنی خداوند عالم به دلیل برتری های ذاتی موهبتی و اکتسابی مردان، سرپرستی و زمام امور زنان را در عرصه های اجتماعی و فردی، خواه در جامعه و خواه در روابط زناشویی به آنان سپرده است.<sup>۱۷</sup>

### نتایج نقد و بررسی دیدگاه های لغت شناسان

بر پایه آنچه بیان شد، چنین نتیجه می گیریم که «قوام» دارای معانی زیر می باشد:

۱ - سرپرستی امور زیردستان و ولی آنان، حاکم و مدیر و مدبر و تدبیر اندیش، محافظ و اصلاح گر امور آن ها، می باشد. یعنی مردان، حق ولایت و سرپرستی زنان را به دو دلیل دارند،<sup>۱۸</sup>

۱- برتری های ذاتی و خدادادی

۲ - برتری های اکتسابی: انفاق نفقه، پرداخت مهریه و اجرت، و سرپرستی و تدبیر امور آنان و هواداری و حفاظت و حراست از حیثیت و شخصیت و حرمت زنان.

۳ - دلیل این حق حاکمیت و قیمومت و ولایت هم امریست خدادادی و موهبتی وهم اکتسابی.

ب - نقد و بررسی دیدگاه های مفسران اسلامی در مورد آیه «الرجال...»  
 شأن نزول:

نقش شأن نزول در آیات و شأن ورود در احادیث وارده از دیرزمان در فهم صحیح مقاصد الله و مقاصد الرسول و ارتباط آن با درک درست مفاهیم آیات، انتظار دانشمندان و قرآن پژوهان اسلامی را به خود جلب کرده و همگان به آن به عنوان یکی از ابزارها و راه کارهای مهم و نقش آفرین، نگریسته اند.

اگر راه کارهای صحیح روش نقد، بررسی «اسناد و متون»، گزارش های شأن نزول به صورت علمی و دقیق رعایت شود و پژوهشگران، بتوانند به اسناد و روایات صحیح آن، دست یابند و در فهم آن اصول، درک متون عربی را مورد لحاظ قرار دهند. بی تردید - با توجه به داده های گزارش های شأن نزول و قرائن حال و مقال، سیاق، تناسب آیه های قبل و بعد و اهداف مجموعه آنها و دیگر اصول پذیرفته شده در تفسیر و علم الدرایه - بر حقیقت و مقاصد آیات و روایات خاندان رسالت در حیظه توان بشری، دست می یابند.<sup>۱۹</sup>

دیدگاه های میدان داران تفسیر قرآن کریم در مورد شأن نزول آیه «الرجال...»

حسن بصری، قتاده، ابن سدی، زهری، سفیان ثوری، مقاتل، هشام کلبی، ابوزرق، مجاهد، علی بن ابی طلحه، عطاء، و ... داستانی را، گزارش نموده اند که بر پایه آن، آیه مذکور در مورد زن ناشزه ای که به دلیل نشوزش از طرف همسرش، مورد ضرب قرار گرفته و پدر وی به همراه او به محضر رسول خدا(ص) رسیده و از داماد خویش شکایت کرده و خواستار قصاص شده، آنگاه آیه «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله واللاتی تخافون نشوزهن فعظوهن واهجرهون فی المضاجع و اضربوهن فان اطعنکم فلا تبغوا علیهن سبیلاً ان الله کان علیاً کبیراً»<sup>۲۰</sup> فرود آمد و حکم مسئله را روشن کرد و قصاص این موارد را در روابط زناشوئی

زن و مرد در صورتی که به دلیل نشوز، مرد، زنش را تنبیه و تأدیبی کرده باشد، برداشت و فرمود:

مردان در تدبیر امور و تأدیب، تعلیم و تولیت امور زنان بر آنان ولایت، حاکمیت و سلطنت دارند. زهری گفته است که میان مرد و زنش در جنایات کمتر از قتل، قصاصی نیست.<sup>۲۱</sup> البته این مسئله، خود، جای بحث دارد و نظر فقهای مذاهب اسلامی در مورد مردی که بر اثر استمتاع مشروع زوجه‌اش، دچار آسیب شود در صورتی که تفریطی رخ نداده باشد، این است که دیه ندارد و قطعاً قصاص هم ندارد و تنبیه بدنی در صورت نشوز با رعایت اصول به دلیل مشروع بودنش، قصاص ندارد.<sup>۲۲</sup>

بنابراین، گزارش شأن نزول آیه «الرجال...» با تعریف لغت شناسان از واژه «قومون»، سازگاری کامل دارد. مرحوم طبرسی، ضمن گزارش بیانات شیخ طوسی می‌گوید:

«والمعنی: ای الرجال قیّمون علی النساء مسلطون علیهن فی التّدیر والتادیب والریاضة والتعلیم بما فضل الله بعضهم علی بعض» آنگاه می‌گوید: این بیان، سبب و علت تولیت و حاکمیت مردان بر زنان است.<sup>۲۳</sup>

### ملاک برتری و حاکمیت و ولایت مردان بر زنان<sup>۲۴</sup>:

از ظاهر آیه کریمه، دو علت، برای این برتری استفاده می‌گردد: موهبتی و ذاتی، اکتسابی و ضرورت اجتماعی.

ولی برخی از مفسران در توجیه آن به اموری اشاره کرده‌اند که در ذیل بیان می‌شود:

- ۱ - یکی از ملاک‌های برتری، جنبه عقلانیت مردان است که از زن‌ها قوی‌تر است؛ چنانکه جنبه عواطف و دقت و احساسات زنان، برتر از مردان است.
- ۲ - ملاک برتری، فزونی مردان در بعد یقین و باور دینی است چرا که زنان از نظر خردمندی و دیانت، دارای نقصانند و دلیل آن، قلت عبادت «نماز و روزه و دیگر عبادات» در ایام ماهانه آن‌ها می‌باشد.
- ۳ - از جهت پذیرش شهادت مردان در محاکم قضائی در همه موارد حقوقی و عدم پذیرش آن از زنان.

- ۴ - ارزش شهادت دو زن در مواردی که پذیرفته شده؛ معادل شهادت یک مرد است.<sup>۲۵</sup>
- ۵ - حق تصرف در اموال و تجارت برای مردان. اما زن حتی در اموال خویش هم بهتر است که از شوهرش، اذن بگیرد، چرا که او قیم وی بوده و سرپرست و ولی اوست.
- ۶ - وجوب «جبهه و جهاد» بر مردان و معافیت زنان از آن، چرا که به مردان فرمود: «انفروا خفافاً و ثقلاً و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله»<sup>۲۶</sup> و اما به زنان، دستور نشستن در خانه داد و فرمود: «و قرن فی بیوتکن...».
- ۷ - اختصاص جمعه و جماعات بر مردان و معفو بودن زنان.
- ۸ - وجوب مهر و نفقه بر مردان که باید به زنان، پردازند و اما زنان، واجب النفقه مردان بوده و مهر و اجرت در ازاء تفویض البضع، تعلق می گیرد.
- ۹ - مردان، حق گرفتن چهار زن را دارند و زنان تنها یک شوهر، می توانند داشته باشند و در همین رابطه فرمود: «فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان خفتم ان لاتعدلوا فواحدة»<sup>۲۸</sup>
- ۱۰ - حق طلاق را هم، در اختیار مردان قرار دارد و به همین دلیل در قرآن در هفت مورد، مردان را درباره طلاق مورد خطاب قرار داد و زنان را در آن جمله ها، مفعول قرار داده و می فرماید: «یا ایها النبی اذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن»<sup>۲۹</sup> و در برابر آن، عده بر عهده زنان، نهاده شده است.<sup>۳۰</sup>
- ۱۱ - فزونی مردان در حق ارث و دیه.
- ۱۲ - اختصاص رسالت و نبوت و امامت، خلافت و حکومت دینی بر مردان و در طول تاریخ ادیان آسمانی، هیچ گاه زنی، تولیت این مناصب را به عهده نداشته بلکه از مجموع آیات و روایات، خلاف آن استفاده می گردد.
- ۱۳ - یکی از نیازهای طبیعی و فطری زنان، نیازمندی آنان به سرپرستی، ولایت، حاکمیت و قیمیت مردان می باشد و از همین رهگذر است که رسول خدا(ص) فرمود:
- «زنان بی شوهر، مسکین و بی چاره اند، گرچه دارائی فراوانی هم داشته باشند»<sup>۳۱</sup> و سپس آیه: «الرجال قوامون علی النساء...» را، قرائت فرمودند. قرائت آیه «الرجال» به دنبال آن

حدیث، دلیل بزرگی است بر اینکه دلیل قیومیت مردان بر زنان بر پایه نیاز طبیعی، فطری، اجتماعی و روحی زنان است، این زنانند که از این جهت به قیومیت و سرپرستی مردان، نیاز شدید دارند و قرآن در دفاع از حقوق زنان، این قانون حکیمانه را تشریح فرموده است.

۱۴ - رسول خدا(ص) یکی از صفات و خصلت‌های نیکوی زنان را در اطاعت و فرمان‌برداری از دستورات شوهران خود می‌داند و می‌فرماید: «بهترین زنان، زنی است که چون نگاهش کنی باعث خشنودیت باشد و اگر دستورش دادی فرمان برد و در غیابت پاسدار اموال و ناموس و آبرو و شرف تو باشد، آنگاه آیه «الرجال...» را در تایید فرمایش خویش، قرائت فرمود. به طور کلی روایات و آیاتی که اطاعت زنان را از شوهرانشان واجب شمرده و از نشوز بر حذر داشته و حتی در صورت بروز علائم نشوز از طرف زن به مردان اجازه و دستور موعظه و نصیحت، سپس ترک رختخواب زن و بالاخره تنبیه بدنی وی را می‌دهد، دلیل قاطعی است که مردان بر زنان، حق حاکمیت و ولایت و سرپرستی دارند و اطاعت آنان در روابط زناشویی بر زنان واجب است.

و به همین دلیل است که به دنبال آیه «الرجال...» شروع به بیان وظائف اصولی و کلیدی زنان در قلمرو خانواده و روابط زناشویی نموده و فرمود: «فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله...»<sup>۳۲</sup>

اطاعت فرمان شوهر و پاکدامنی در حفظ ناموس و شخصیت خود و شوهرش در حضور و غیاب او و پاسداری از اموال و رعایت حقوق وی جهت ستایش پروردگار عالم از وظایف زنان است<sup>۳۳</sup> و امام باقر(ع)، «قانتات» را به اطاعت مطلق زن از همسر خویش، تفسیر فرموده است<sup>۳۴</sup>

۱۵ - توان بالای مدیریتی، تدبیر اندیشی امور اجتماعی و فردی، برتری نیروی فیزیکی و روحی در برابر کارهای سخت و سخت‌کوشی در میدان عبادت و خودسازی در مردان، عامل قیومیت آنان بر زنان، می‌باشد.

۱۶ - در گزارشی از رسول خدا(ص) برتری مردان بر زنان چون برتری آسمان بر زمین و آب نسبت به زمین شمرده شده، حیات و شادابی، نشاط و باروری زنان به وجود



مردان است، چنانکه زمین با وجود آب، حیات و زندگی می یابد. اگر مردان نبودند، زنان آفریده نمی شدند. آنگاه آیه «الرجال» را خواندند و فرمودند: آیا نمی بینید که زنان بر اثر عادت ماهانه، همیشه توان عبادت ندارند. طنطاوی جوهری؛ شیخ الازهر مصر می گوید: «الرجال قوامون» یعنی مردان به منزله ولات و حاکمان و زنان به منزله رعیت و ملت می باشند.<sup>۳۵</sup>

### تفسیر آیه «الرجال قوامون علی النساء...» از زاویه دید روایات:

طبری، حدود بیست حدیث از راه های گوناگون در بیان و منظور «قوامون» گزارش کرده و آن را به حاکمیت، سرپرستی و حق ولایت، تفسیر نموده و مرحوم شیخ الطائفه و طبرسی نیز در این راستا، احادیثی را گزارش کرده اند<sup>۳۶</sup> و ابن کثیر شامی با استفاده از ذیل آیه «الرجال...»، «قوامون» را به ریاست، سرپرست، صاحب اختیار، حاکم و ولی زن تفسیر کرده و می گوید به دو دلیل، در صورت انحراف زن از جاده اعتدال، مرد، حق تأدیب وی را دارد:

۱- «بما فضل الله» که بر پایه این دلیل و برتری های ذاتی، فطری و موهبتی، جریان نبوت و رسالت، امامت و حکومت های الهی و مناصب «قضاء» در انحصار مردان بزرگ، قرار داشته و رسول خدا (ص) نیز، سلطنت و حکومت زنان را - بر هر ملتی که باشد - عامل بدبختی، زبونی و سقوط آن ملت می داند.<sup>۳۷</sup>

۲- «بما انفقوا من اموالهم...» تمهد به پرداخت مهر و نفقه و سرپرستی خانواده، زحمت و مشکلات طاقت فرسایی را به عهده مردان، نهاده است.

آنگاه چنین نتیجه می گیرد که به دلیل برتری فطری ذاتی و موهبتی مردان در مرحله قانون گذاری نیز، برتری به آنان، داده شده است. چرا که فرمود: «و للرجال علیهن درجه...»<sup>۳۸</sup>. و از همین رهگذر است که در برابر امتیاز مردان فرمود: هر گاه، نمازهای پنجگانه خویش را برپا دارد و رمضان را روزه گیرد و عرض و ناموس و دامن خود را پاک دارد و در فرمان همسرش باشد، به او می گویند: از هر در بهشت می خواهی وارد شو.<sup>۳۹</sup>

### ج- نقد و بررسی دیدگاههای مفسران قرآن در مورد ملاک قیومیت مردان

برخی از دانشمندان اسلامی بر ملاک های برتری مردان بر زنان علاوه بر موارد یاد شده، امور

دیگری را نیز، افزوده‌اند:

۱ - معیار شایستگی بر تصدی امر ولایت و زعامت و امامت، خواه در خانواده و خواه در عرصه اجتماع، فضائل و ارزش‌ها و برتری‌های خدادادی است و نه سیطره و تسلط قهری و نظامی و غیره، آنگاه اصول برتری‌های ذاتی و خدادادی مردان بر زنان را در دو بخش جداگانه، بیان می‌نماید:

الف: فضائل ذاتی چون: عقل، تدبیر، خردمندی، حزم، با کفایتی، عزم و اراده فولادین، قوت و قدرت شگفت‌انگیز، نویسندگی، نگارش‌گری، فروسیت، میدان‌داری و رزمندگی، مهارت‌های جنگی، فرماندهی نیروهای رزمی و ...

آنگاه برای تأیید دیدگاه‌های خویش به سلسله جلیله انبیاء و رسولان الهی و خیل امامان نور، سیل دانشمندان عرصه‌های علم، دانش و دین در رشته‌های گوناگون، جبهه و جهاد، اذان‌تربیبون مساجد، خطابه، اعتکاف در معابد الهی و ادا‌ی تکبیرهای روزهای تشریق، اقامه شهادت در محاکم قضائی، اجرای حدود و قصاص، ولایت کودکان، سفیهان، مجانین، حق طلاق و رجوع در آن، تعدد زوجات، انساب فرزندان، عمامه، محاسن مردانگی و ... اشاره کرده و می‌گوید: زنان از اغلب این‌ها محرومند.

ب: فضائل اکتسابی که در پیش‌بدان اشاره رفت.

آنگاه مسئله قصاص نفس و اطراف را در روابط مرد و زن چنین بیان می‌نماید:

۱ - در جنایات مادون «نفس»، مرد قصاص نمی‌شود گرچه، دیه آن، واجب است.

۲ - در قتل نفس و انواع زخم‌ها، قصاص واجب است اما در ضرب عادی، لازم نیست.

و سپس در تفسیر «قانتات»، آن را به زنانی که همه وظائف همسری را رعایت کنند و حافظات را به زنانی که در غیاب همسران خود، مال، ناموس و فراش آن‌ها را حراست می‌نمایند، تفسیر می‌کند<sup>۲۰</sup>

قاضی بیضاوی در تفسیر آیه «الرجال»، نظریه یاد شده را تأیید می‌نماید. لکن، شیخ زاده در حاشیه بر تفسیر بیضاوی؛ قوامون را صیغه مبالغه گرفته و می‌گوید براساس این آیه:

۱ - مردان، باید در قیام و تدبیر امور زنان، نهایت تلاش خود را به کار گیرند و در عرصه‌های

خانواده و روابط زناشویی و اجتماع بر تدبیر امور زنان، تسلط کامل و نفوذ حکم داشته باشد و «فالصالحات قانتات...» را به مطیعات تفسیر کرده است. زنان، خواه در عرصه عبادی و خواه در عرصه روابط زناشویی، باید فرمانبری داشته باشند. و در تفسیر «فالصالحات» که جمع محلی به الف و لام مفید استغراق افراد است - می گوید:

بنابراین، هر زن صالحه باید همواره مطیع و پیرو خدا و رسول و شوهر خویش باشد به گونه ای که در غیاب همسرش، نگهبان شئونات خانواده و پاکی دامن و عرض خود و حافظ امانت‌های شوهر از جمله ناموس خود باشد و سپس می افزاید که آیه «الرجال...» به ظاهر «اخبار» و در واقع افاده امر و وجوب می نماید. براساس این مطلب، زن صالحه نمی گردد مگر اینکه، پیرو فرمان خدا و رسول و همسر خویش بوده و حقوق او را در حضور و غیاب رعایت نماید.

برخی از شارحان تفسیر بیضاوی، منظور از اختصاص امر شهادت در محاکم قضاء به مردان را به مهمات قضاء تفسیر کرده و برخی دیگر آن را، شامل همه امور دانسته اند.<sup>۴۱</sup> فخرالدین رازی پس از یادآور شدن شأن نزول آیه «الرجال...» و تأیید دیدگاه زمخشری، عامل برتری مردان بر زنان را دو چیز موهبتی و اکتسابی، علم و قدرت تفسیر کرده، آنگاه می گوید، دلیل این امر بدیهی است چرا که کسی منکر برتری مردان بر زنان در امور یاد شده، نمی باشد.<sup>۴۲</sup>

قرطبی، ضمن تأیید مطالب فخررازی، زمخشری، نظام نیشابوری، بیضاوی و .. می گوید: چون طبیعت مردان، رطوبی سرد است و طبیعت زنان خشک و گرم از این رو یک نوع نرمش، گذشت و سخاوت منش در مردان وجود دارد به همین دلیل قانون گذار، نفقه زنان را بر عهده مردان نهاده و زمام امور خانواده را نیز به وی سپرده است.<sup>۴۳</sup>

علامه آلوسی پس از بیان شأن نزول و عوامل برتری مردان مانند دیگر مفسران اسلامی در تفسیر آیه «الرجال» می گوید: چندین نکته را باید درباره روابط زناشویی زن و نظام خانواده در نظام حقوقی اسلام مورد توجه قرار دهیم:

الف: وظیفه و مسئولیت قانونی مردان در نظام خانواده در اسلام نسبت به حفظ و حراست و تأمین امور مادی و معنوی و روحی زنان و فرزندان به گونه مسئولیت حاکمان

و والیان نسبت به ملت است که تدبیر امور و حفظ جان، مال، ناموس و شخصیت حقیقی و حقوقی آنان، بر عهده آنان می باشد.

ب: از انتخاب جمله اسپمیه و صیغه مبالغه در «الرجال قوامون» استفاده می شود که صفات رشد در اعماق وجودی مردان، موهبتی از طرف آفریدگار عالم است که بر پایه مصالح جامعه بشری و همچنین مصالح کلی نظام خانواده به ودیعه نهاده شده است.

ج: در این آیه، دلیل برتری مردان بر زنان در مسائلی چون: ارث، دیه و قصاص مشخص شده و به مراتب استحقاق زن و مرد نیز، اشاره شده است.<sup>۴۴</sup>

علامه قشیری در تفسیر لطائف الاشارات در بحث و بررسی «آیه الرجال...» می گوید: بار مسئولیت اداره امور زنان به مردان سپرده شده و دلیل آن هم فزونی قدرت و قوت روحی و مادی مردان است چرا که معیار تکلیف و حمل بار مسئولیت از نظر عقل و شرع همان قدرت علمی و فیزیکی و بلندی همت است و نه نفوس و ابدان.<sup>۴۵</sup>

ملاجلال الدین سیوطی و ملاجلال دوانی در تفسیر خود، «قوم» را به «مسلط» تفسیر نموده و آنگاه می گوید: مرد بر پایه قوامیت، حق تأدیب زنان را داشته و استفاده جنسی از زنان از حقوق مشروع آنان است و دلیل برتری همان قدرت، علم و عقل می باشد.<sup>۴۶</sup>

پس از بحث و بررسی آیه «الرجال» و نقد و بررسی دیدگاه های مفسران چنین نتیجه می گیرد که حیات مادی و معنوی جوامع بشری، هرگز بدون به کارگیری این روش فطری و طبیعی و الهی عمیق، امکان پذیر نمی باشد. چرا که فطرت و درون هر دو جنس برای چنین زندگی دسته جمعی با قوامیت مردان و پذیرش آن از ناحیه زنان آفریده شده است. در نتیجه، هر حرکتی که برخلاف فطرت و سرشت این دو جنس انجام بگیرد، راه به جایی نبرده و پاسخ، نخواهد داد.<sup>۴۷</sup>

بزرگ میدان دار عرصه تفسیر، مرحوم علامه طباطبایی (ره) با لحاظ معنی لغوی ماده «قوم» می گوید: «قیم» به کسی که تدبیر همه امور دیگری را به عهده دارد، اطلاق می شود و «قوم» و «قیام» مبالغه در قیمومت است و منظور از «بما فضل الله بعضهم علی بعض» همان برتری های طبیعی و فطری قوای مردان بر زنان است از قبیل برتری در قوه عاقله و فروعات آن چون: توان رزمی، شجاعت و تهور، برتری در توان تحمل شدائد و سختی ها، و انجام کارهای

دشوار و ... چرا که زندگی زنان بر پایه احساسات و عواطف زنانگی است که بر پایه رقت، لطافت و ظرافت، بنا نهاده شده است.

سپس می گوید: از مجموع آیات مربوط به روابط زناشویی زن و شوهر و تعامل این دو جنس در عرصه حیات استفاده می شود که حکم قوامیت مردان بر زنان منحصر به عرصه های زناشویی و نظام خانواده نمی شود بلکه مراد، قوامیت و مدیریت نوع مرد بر نوع زنان - در همه عرصه های حیات و امور عامه که به زندگی دو جنس مربوط باشد - است.

حوزه ها و عرصه های عمومی اجتماعی که در آن، بر مدیریت مردان بر قشر زنان براساس برتری های ذاتی تأکید شده، مانند: «حکومت، قضاوت، سرپرستی دائمی خانواده، ولایت بر کودکان، مرجعیت، رهبری جامعه و...» اموری هستند که ادامه حیات جامعه بشری به گونه معقول، بدان بستگی صد درصد دارد و از مبانی قرآنی، سنتی، تعقل و حکمت برخوردار است. به گواهی عقل، علم، تجربه تاریخ و داده های ادیان آسمانی، این خصلت ها در قشر مردان به طور کلی، بیشتر از قشر زنان است. بدیهی است که اداره جامعه بر اساس شایسته سالاری به تعقل و خردمندی و حرکت های معقول و مدیریت اندیشمندان نیازمند است، همانگونه که عرصه های دفاعی و میادین معرکه در برابر تجاوزگران به قدرت نظامی و تدبیر و برنامه ریزی معقول، استوار است و براساس داده های ادیان آسمانی، عقل، تجربه و تاریخ در همه این موارد، قیومیت و مدیریت و رهبری جامعه بشری از جمله «نهاد خانواده» به عهده مردان، نهاده شده است.

اینک براساس داده های آیه «الرجال...» و دیگر آیات همسوی با آن و سنت شریفه خاندان رسالت در یک نگرش کلان، مدیریت مطلق مردان بر مطلق زنان، خواه در روابط نهاد خانواده و خواه در نهاد کلان جوامع بشری در روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی اثبات می شود.

از ظاهر آیه «فالصالحات قانتات...» و سیاق آیات پس و پیش آن چنین بر می آید که ناظر بر روابط زناشویی زوجین باشد و این حکم از فروعات و شعبه های آن حکم مطلق است بدون آن که اطلاق آن، محدود شود و منظور از «الصالحات» همان معنی لغوی آن یعنی لیاقت های نفسانی مطلوب در قشر زنان و مراد از «قانتات» استمرار و پیوستگی اطاعت و تواضع در برابر

شوهران است و از برقراری معادله میان «فالصالحات قانتات حافظات للغیب...» و «واللاتی تخافون نشوزهن» روشن می‌شود که منظور از «الصالحات» زنان و همسران صالحه بوده و این حکم، اختصاص به روابط زن و شوهر در نهاد خانواده دارد نه مطلق زن و مرد بیگانه و چنانکه در پیش، از مفسران دیگر نقل کردیم «قانتات، حافظات»، به لفظ خبر و به معنی امر و دستور آمده و روابط فیما بین زوجین را در نهاد مقدس خانواده بیان می‌کند.

یعنی «فالصالحات لیقنتن و لیحفظن» همسران صالحه باید در برابر دستورات و مدیریت همسرانشان، پیوسته مطیع و تسلیم و یار و یاور آنان بوده و در حضور و غیاب همسران خویش، نگهبان مال، خانه و آبرو و ناموس و حیثیت آنها بوده و شئونات و شخصیت آن‌ها را رعایت کنند.

#### د - حدود و مرزهای قیمومیت و مدیریت مردان

البته، دامنه این قیمومیت و رهبری، خواه در امور عامه اجتماعی، خواه در امور خانوادگی تابع وسعت و یا محدودیت علت و دلائل خویش است یعنی:

۱ - حیظه قیمومیت مردان بر زنان در امور اجتماعی: رهبری و حکومت، قضاوت، امور دفاعی جهاد و ... مربوط به امور مشترک این دو قشر است و دلیل آن، برتری‌های ذاتی و موهبتی مردان در عرصه‌های یاد شده می‌باشد و این حق حاکمیت، هرگز منافاتی با آزادی فردی و استقلال زنان در میدان عمل ندارد چرا که قانون، وظائف هر دو گروه را مشخص کرده است.

براساس داده‌های شریعت اسلامی، زنان در محدوده شریعت هر چه دوست دارند و بخواهند، انجام می‌دهند و هر چه دوست ندارند، انجام نمی‌دهند و اختیار و استقلال کامل دارند. چرا که فرمود: «فلا جناح علیهن فیما فعلن فی انفسهن بالمعروف»

۲ - قوامیت و مدیریت مرد بر زن در روابط زناشویی، تنها به مسائل زناشویی مربوط می‌شود که زن باید در چهارچوب میثاق مقدس و الهی ازدواج در برابر خواسته‌های مشروع شوهرش با فروتنی و خضوع، خاضع بوده و در غیاب وی، ناموس، مال و فراش همسرش را حفظ کرده و با هیچ کس رابطه نامشروع، برقرار ننماید. اما در خارج

از مسائل زناشوئی، زن دارای استقلال و آزادی سیاسی و فردی بوده و مرد، نمی تواند جلوی اراده، تصرف و استقلال او را در حقوق فردی، اجتماعی و دفاع از آن ها و ... بگیرد و یا مانع عملیات مقدماتی دفاع از حقوق خویش گردد و همانگونه که نمی تواند او را وادار به کار در محیط خانه و یا بیرون از آن بنماید.

ر - حدود آزادی های فردی، اجتماعی زنان و حقوق مردان بر آن ها زن در برابر مهر و نفقه ای که از سوی مرد جهت استمتاع از وی به او پرداخت می شود، ملزم می گردد که در چهارچوب مسائل زناشوئی و لذت جوئی شوهرش، تسلیم امر وی شود و اوامر و خواسته های قانونی او را موبه مو، اجراء نماید. در غیاب او نیز، حرمت حقوق وی را پاس داشته و ناموس و فراش شوهرش را چو امینی حفیظ پاسداری کرده و پاکدامنی ورزد، نه بیگانه ای وارد فراش وی گرداند و نه خود را در معرض لذت جوئی های بیگانه قرار دهد، و نه در اموال شوهرش که به وی سپرده شده، خیانت نماید.

ز - منظور از «فالصالحات، قانتات، حافظات..»

بنابراین بر پایه آیه «فالصالحات...» زنان شوهردار باید جهت خوشنودی خدا و شوهرانشان لباس صلاح و سداد، لیاقت، شایستگی و پاکدامنی به تن نمایند و اگر صالحه باشند قهراً قانت خواهند بود. بنابراین بر زنان، واجب است که پیوسته در فرمان شوهران خود بوده و در ارتباط با مسائل زناشوئی، حقوق مشروع آن ها را، رعایت نمایند.

- نتیجه بحث

اگر «ما» در «بما حفظ الله» مصدریه و «با» ابزاری و آلی باشد، مفهوم و نتیجه آیه، چنین می شود:

زنان شوهردار، باید از اوامر همسران خود در امر زناشوئی، پیروی نموده و در غیاب و حضور آن ها، حقوق شوهران خود را چون امانت دار امین، رعایت نمایند و اگر «ما» مصدریه و «با» مقابله باشد، مفهوم آیه چنین می شود:

بر زنان شوهر دار در برابر حقوقی که بر عهده مردان نهاده شده، واجب است خواه در عرصه اجتماعی و خواه در عرصه خانواده و روابط زناشویی از اوامر شوهران خود، پیروی کرده و با خضوع کامل، رعایت امانت را در حضور و غیاب آنان بنمایند.

غ - آیه «الرجال قوامون علی النساء» در پرتو روایات و احادیث الرسول(ص)

عبدالرحمن سیوطی به گزارش از ابوبکر بیهقی می گوید: زنی از انصار به نام «اسماء بنت یزید» به محضر رسول خدا(ص) شرفیاب شد و عرضه داشت: پدر و مادرم فدایت یا رسول الله(ص) من به عنوان نماینده زنان جهان به خدمتتان رسیده‌ام و جانم فدایت یا رسول الله(ص) من یقین دارم که در شرق و غرب عالم، زبان حال همه زنان در شرق و غرب عالم همین است که عرض می کنم:

خداوند عالم شما را به حق برای کافه انسان ها، زنان و مردان عالم مبعوث نموده و ما نیز به تو و پروردگار تو ایمان آوردیم [اینک این سوال همه ما زنان است] خداوند جبهه و جهاد را بر شما مردان واجب فرمود که اگر مجروح شدید، پاداش مجاهدین دارید و اگر کشته شدید «احیاء عند ربهم یرزقون» می گردید و اما ما زنان با آنکه در خدمت شوهران خود هستیم و از فضیلت، جبهه و جنگ محرومیم در برابر اجر مجاهدان و شهیدان راه حق چه به دست می آوریم؟<sup>۲۸۴</sup>

و در حدیث دیگری با همان سند: اسماء انصاریه در ادامه سخن خود عرض کرده: «... ما زنان در چهاردیواری خانه های شما محدود بوده و پاسدار خانه و زندگی شما مردان بوده و نیازهای جنسی شما را برآورده کرده و فرزندان شما را به دنیا می آوریم در عین حال شما مردان به برتری های خدادادی، دست یافتید و ما زنان از آنها، بی بهره ایم. چرا که شما حق شرکت در میادین قتال، جمعه و جماعات، عیادت بیماران، تشییع جناز و شرکت در مراسم حج و عمره مستحبی و ... را دارید و ما زنان از شرکت در آنها محرومیم و از سوی دیگر ما در هنگام مسافرت شما، نگهبان اموال شما بوده و کارهای خانه تان را انجام داده، منزل را اداره می نمائیم و فرزندان تان را تر و خشک کرده و تربیت می کنیم. بفرمائید چه پاداشی در برابر این همه کار نصیب ما می شود؟



رسول خدا (ص) خطاب به حاضرین در مسجد با تعجب پرسید: تاکنون بهتر و زیباتر از گفتار این زن در مورد حقوق زنان شنیده‌اید؟! یاران پیامبر (ص) عرض کردند: ما تاکنون نه تنها چنین سخن پرمغز و منطقی از کسی نشنیده‌ایم بلکه باور نمی کردیم که روزی زنی، چنین منطقی داشته باشد. آنگاه رسول خدا (ص) رو کرد به آن زن و فرمود:

اکنون به عنوان نماینده من [در میان زنان در شرق و غرب عالم] این پیام را به همه آنان برسان که: هریک از شما از عهده و وظائف شوهرداری به خوبی برآید و به دنبال خشنودی شوهر خود باشد و دستورات وی را با میل و رغبت اجراء نماید، معادل همه پاداش‌های شوهرش در محضر حضرت احدیت، اجر و مزد خواهد داشت. آنگاه آن زن با خرسندی از بیان ارجمند رسول خدا (ص) تکبیرگویان، جلسه را ترک نمود.<sup>۴۹</sup>

سیوطی از ابن ابی شیبیه و احمد بن حنبل از معاذ بن جبل گزارش می نماید که رسول خدا (ص) فرمود اگر فرمان به سجده به بشری می دادم همانا به زنان دستور می دادم که به شوهران خود، سجده نمایند و از بیهقی نقل می کند که رسول خدا (ص)، پاداش خانه داری زنان را معادل پاداش مجاهدان در راه خدا می دانست.<sup>۵۰</sup>

## و - خلاصه گفتار:

روایات و اخبار در این مقوله، آنقدر فراوان است که از تواتر معنی برخوردار بوده و فریقین بر آن تاکید دارند و مجامع حدیثی شیعه و سنی، مالا مال از آن است و زیباترین آنها سخنی است که از امام کاظم (ع) گزارش شده که فرمود: «جهاد المرأة حسن التبعّل» و از امیر مؤمنان که فرمود: «ان المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة»<sup>۵۱</sup> و ... رسول خدا (ص) پاداش زنان باردار را معادل پاداش روزه‌دار شب زنده‌دار می داند و می فرماید: پاداش درد زایمان او را کسی جز خدا نمی داند و در برابر هر بار که فرزندش از سینه او می مکد، پاداش او معادل احیاء یک نفس - که معادل احیاء همه جمعیت کره زمین است - می باشد.<sup>۵۲</sup>

## هـ نقد و بررسی حدیث اسماء انصاریه

از مطالعه این حدیث، نکات مهمی از حقوق زنان، استفاده می شود.

- ۱ - زنان عصر رسول خدا (ص) با توجه به وظائف خانه داری و فرزند داری و شوهر داری - سه رکن اساسی و مهم در نهاد خانواده - در چهارچوب پاسداری از حقوق

شوهر و فرزندان از حضور در مجالس رسول خدا(ص) و مسئولین حکومت و احقاق حقوق خویش، ممنوع نبوده‌اند.

۲- از آزادی اندیشه و اظهار آن در چهارچوب شریعت اسلامی در ارتباط با حقوق نوع خویش برخوردار بوده‌اند و آن را بی پرده، بیان می کرده‌اند.

۳- از مجموع گزارش‌های خبری در تفسیر آیه کریمه و آیات مربوط به نظام حقوقی زنان در شریعت مقدس اسلام، استفاده می شود که بهترین و مفیدترین راه کار در زندگی یک زن مسلمان آنست که تمام تلاش خود را در تدبیر امور خانه داری، شوهر داری، تربیت فرزندان خویش به کار بگیرد، گرچه این سه رکن اساسی از دیدگاه دین مقدس اسلام بر زنان واجب نیست اما ترغیب و تشویق و تحریص نسبت به آن دلالت دارد بر استحباب پابندی زنان بر آن سه رکن در جوی دینی، آمیخته به تقوی پیشگی - که تمامی افراد سعی و تلاش دارند کارهای خود را برای جلب رضایت و خشنودی پروردگار عالم سامان دهند و دست آوردهای اخروی را بر دنیا ترجیح می دهند - محیطی که در آن پرورش و رشد زنان بر پایه ارزش‌های اخلاقی و انسانی همچون، پاکدامنی، حیاء و محبت بر فرزندان خویش و علاقه به اداره منزل و خانه داری، پایه ریزی شده بود و بر پایداری این سنت‌ها و قوانین مقدس اجتماعی دین، فطری پافشاری می شد.

۴- این علاقه و دل مشغولی، زنان پاکدامن را به پایداری و پاسداری از عواطف و احساسات پاک فطری خویش وادار می کرد که کار در محیط منزل و تربیت فرزندان صالح را به کار در محیط بیرون از منزل در میان مردان بیگانه و مختلط ترجیح بدهند.

۵- استمرار این وضع و اعمال این سنت حسنه در میان خانواده های مسلمان - که بر اساس آن کارهای شاق و سخت بیرون منزل را به عهده مردان و کارهای ظریف در عین حال معجزه‌آسای درون خانه، تربیت فرزندان، گرم نگهداشتن محیط منزل برای همسر و فرزندان را به عهده زنان قرار می داد - تا چندی که غرب استعمارگر، فرهنگ منحط، وحشیانه و عاری از خدا و معنویت خویش را در میان مسلمانان ترویج نکرده بود پا بر جا بود و مردان و زنان این مرز و بوم از دامان پاک زنان پاکدامن به معراج می رفتند. ولی با کمال تأسف با سیطره افکار لائیک غرب در میان مسلمانان به بهانه آزادی زن،

همه ارزش‌های والای اخلاقی، فطری و وجدانی و اصول پذیرفته شده در ادیان آسمانی از جامعه بشری رخت بر بست، فساد، تباهی و پوچی، تار و پود جامعه را فرا گرفت بدون آنکه جوامع بشری متوجه آن شوند. همه ارزش‌ها را با دست خود در گورستان فراموشی، دفن کردند ولی وقتی متوجه این خسارت عظیم می‌شوند که دیگر دیر شده است.<sup>۵۳</sup>

۶ - اینکه، جبهه و جهاد و میدان‌داری حرکت‌های آزادیبخش و حرکت‌های دفاعی از وظائف اختصاص ویژه مردان بوده و شرکت در آن برای زنان جائز نیست و این از ضروریات اسلام و مورد اتفاق مذاهب اسلامی است.

۷ - دین مقدس اسلام، این محرومیت از شرکت در میدان قتال را برای زنان نادیده نگرفته بلکه در میدان دیگر، حتی مقدس‌تر از میدان جنگ یعنی شوهرداری، فرزندداری خانه‌داری، گرم‌نگهداشت‌کانون خانواده را برای زنان، معادل جبهه و جنگ مردان به شمار آورده است.<sup>۵۴</sup> این یک حقیقت قرآنی است که ارزش یک همسر در همسرداری قرآنی و ارزش یک مادر در تربیت فرزندان قرآنی و ارزش یک کدبانو در اداره یک خانه قرآنی است خواه اینکه انسان معاصر آن حقیقت را درک کرده و به آن عمل نمایند. خواه از درک حقیقت و ارزش آن ناتوان شده و برخلاف آن عمل نمایند، آمار نابسامانی‌ها در تمامی عرصه‌های زندگی زنان، مردان، جوانان نوجوانان دلیل بر حقایق حرف ماست.<sup>۵۵</sup> امروز هم فراواند خانواده‌هایی که به این ارزش‌ها، افتخار می‌نمایند و در ربودن گوی سبقت از یکدیگر به رقابت برخاسته‌اند.

۸ - بنابراین، جان‌بازی در میدان معرکه از دیدگاه اسلام بر خانه‌داری و تربیت صحیح اولاد و همسرداری قرآنی در صورتی که هر دو برای رضای خداوند عالم باشد، هیچ امتیازی ندارد. همانگونه که بر قاضی‌ها، ولایه و حاکمان در هر عرصه‌ای که برای خدمت به مردمان مسلمان تلاش می‌نمایند هیچ امتیازی بر وظایفی که زنان در جامعه اسلامی در محیط انجام می‌دهند، ندارد، چرا که فرمود «ان الله لایضیع اجر المحسنین»<sup>۵۶</sup>

۹ - این ارزش در جامعه‌ای رشد می‌نماید که دولت و مسئولین اجتماع برای رشد ارزش‌های قرآنی، بسترسازی مناسبی کرده باشند چرا که در جامعه فاسد، رشد و تعالی

امکان پذیر نمی‌باشد مگر آنکه جامعه را - چون بت شکنان بزرگ الهی - با خود همراه کنی و بستر مناسبی برای رشد ارزش های قرآنی تدارک ببینی.<sup>۵۷</sup>

### ی - قیومیت مردان بر زنان در حقوق مدنی

در قوانین دولت جمهوری اسلامی، خواه در قوانین مدنی، خواه در قوانین کیفری به طور کلی قیومیت مردان بر زنان به هر دو معنی آن پذیرفته شده و مبانی این قوانین و زیربنای آن فقه شیعه و مبانی فقهی نیز قرآن، سنت، عقل و دیگر ادله فقهی است و این مسئله در جای جای فقه و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی از جمله قانون اساسی مطرح شده:

- ۱ - از قبیل عبادات مستحبی که بدون اذن شوهر از زنان پذیرفته نمی شود.
- ۲ - در قضاوت، مرجعیت، ولات و حاکمان، شرط ذکوریت شده است.
- ۳ - در بحث ازدواج دختر باکره که اذن پدر شرط است<sup>۵۸</sup> و نکاح کودکان که پدر و جد پدری ولایت دارند<sup>۵۹</sup> و بر کودکان و دیوانه متصل به بلوغ که پدر ولایت دارد. اگر مادر برای فرزندان خود بدون اطلاع آنها همسری انتخاب نماید عقد وی فضولی خواهد بود.<sup>۶۰</sup>
- ۴ - بحث قسم، بحث نشوز «خروج از اطاعت شوهر<sup>۶۱</sup>» و وجوب نفقه مشروط بر تمکین کامل زوجه است.
- ۵ - طلاق در اختیار مردان است به اجماع همه مذاهب اسلامی مگر آنکه زن در ضمن عقد از مرد وکالت بلاعزل گرفته باشد.<sup>۶۲</sup>
- ۶ - احکام ظهار، لعان، ایلاء از احکام مخصوص مردان است.<sup>۶۳</sup>
- ۷ - احکام قصاص و دیه که دیه زن نصف دیه مرد است و در صورت قصاص مرد در قتل زن باید نصف دیه وی پرداخت شود.<sup>۶۴</sup>

پی‌نوشت ها:

۱ - سوره نساء / ۳۴

۲ - همان

۳ - همان

- ۴ - مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، تحقیق صفوان عدنان داودی، ص ۶۹۲ - ۶۹۳.
- ۵ - اقرب الموارد ماده قوم.
- ۶ - نساء / ۵.
- ۷ - صحاح اللغة، اسماعیل جوهری، طه مصر ۱۹۸۰، ماده «قوم».
- ۸ - اساس البلاغه، زمخشری، ماده قوم، ص ۳.
- ۹ - نهاية الاثر فی غریب الحديث والاثر، ابن اثیر جزری، ماده «قوم».
- ۱۰ - نساء / ۳۴.
- ۱۱ - آل عمران / ۷۵.
- ۱۲ - لسان العرب، ابن منظور مصری، ماده «قوم».
- ۱۳ - تاج العروس، زبیدی، ماده «قوم».
- ۱۴ - همان.
- ۱۵ - تاج العروس، فی شرح القاموس، همان.
- ۱۶ - مجمع البحرين، طریحی نجفی ت ۱۰۸۵ هـ. ق ج ۱۶ / ۱۴۲، ط تهران، ناصرخسرو: مکتبه المرتضویه، ۱۳۹۵ هـ ق.
- ۱۷ - همان.
- ۱۸ - رجوع شود به مقاله «راه کارها و ابزارهای تفسیری»، عزت الله مولایی نیا، مجله معرفت، ش ۱۲، قم، چاپ موسسه پژوهشی، آموزشی امام خمینی (ره).
- ۱۹ - همان.
- ۲۰ - نساء: ۳۴.
- ۲۱ - تفسیر التبیان، شیخ الطائفة ابو جعفر طوسی ت ۴۶۰ هـ. ق، ج ۳ / ۱۸۹، بیروت، دار احیاء التراث العربی، «وکان الزهری یقول: لیس بین الرجل و امراته فیما دون النفس قصاص» شان نزول آیه را اکثر مفسران اسلامی به همین شکل گزارش کرده‌اند. رجوع شود به تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی ج ۳، ص ۷۵ بیروت، دارالفکر ۱۴۱۴ هـ و تفسیر ابی الفتوح رازی ج ۱، ص ۷۶۰ - ۷۶۱، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۱، تفسیر الصافی ج ۱ / ۳۵۳ ط: الاسلامیه ۱۳۸۴ هـ ق، منهج الصادقین، ج ۱ / ۳۸۱، چاپ سنگی ۱۲۹۶ هـ ق البرهان فی تفسیر القرآن ج ۱ / ۲۲۶، ۱۲۹۵ هـ ق، چاپ سنگی والجواهر فی تفسیر القرآن طنطاوی، ج ۲ / ۳۹، بیروت دارالفکر و تفسیر الطبری، ج ۴ / ۳۷، بیروت دارالمعرفه، تفسیر الکشاف ج ۱ / ۵۰۶، افسر ایران، تفسیر ابن کثیر ج ۱ / ۶۹۱ - ۶۹۲، الدرالمثور ج ۲ / ۱۵۱، چاپ بیروت و تفسیر ابن عباس در حاشیه الدرالمثور ج ۲ / ۲۵۳ و تفسیر بیضاوی ج ۱ / ۱۲ و تفسیر فخر رازی ج ۱۰ / ۸۲ و غرائب القرآن، نظام نیشابوری در حاشیه تفسیر طبری ۳۷ / ۴. تفسیر الخازن، علاءالدین

- بغدادی ج ۱ / ۶۳۲ ط مصر. احکام القرای قرطبی ج ۵ / ۱۶۸ ط: بیروت، داراحیاء التراث العربی، روح المعانی ،  
 آلوسی ۵ / ۲۰ ط دارالتراث العربی.
- ۲۲ - در صورتی که بالاتر از حد مجاز باشد، قصاص و یادیه خواهد داشت. رجوع شود به شرح لمعه شهید ثانی
- ۲۳ - مجمع البیان . همان
- ۲۴ - «بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا...» رجوع شود به کتاب شهادت ، حدود، اقرار شرح لمعه و  
 قانون مدنی، جزائی
- ۲۵ - توبه / ۴۱
- ۲۶ - الاحزاب / ۳۳.
- ۲۷ - رجوع شود به تحریر الوسیله امام خمینی - رضوان الله علیه - کتاب الصلوة در صلاة الجماعة و الجمعة .
- ۲۸ - النساء / ۳.
- ۲۹ - الطلاق / ۱. و جریان طلاق در سوره های بقره / ۲۳۱ ، ۲۳۲ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، احزاب ۴۹ ، تحریم ۵ ، بقره ۲۳۰ ،  
 ۲۲۹ ، ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، ۲۴۱ مطرح شده و در همه این آیات، عقده طلاق بدست مرد و اختیار او نهاده شده است و در  
 قانون مدنی ایران نیز حق طلاق را به مرد داده مگر آن که زنان در ضمن عقد، اختیار طلاق را به عنوان وکیل مرد  
 اخذ نمایند.
- ۳۰ - رسول خدا(ص) فرمود: الطلاق بالرجال و العدة بالنساء. الرسالة البديعة، سید محمدحسین طهرانی / ۲۰.
- ۳۱ - قال(ص): «المرأة مسکينة ما لم یکن لها زوج، قالوا: یا رسول الله و ان كان لها مال؟! قال(ص): و ان كان لها مال؟! ثم  
 قرء: «الرجال قوامون على النساء...». قال(ص): «خير النساء التي اذا نظرت اليها سرّتك و اذا امرتها اطاعتك و اذا غبت  
 عنها حفظتك في ما لك و نفسها، ثم قرء قوله: الرجال قوامون...»
- ۳۲ - رجوع شود به تفسیر ابی الفتوح رازی ج ۱ / ۷۶۱ و تفسیر علی بن ابراهیم قمی ج ۱ ص ۱۲۵ طه ۱۳۹۹  
 هـ.ق.
- ۳۳ و ۳۴ - تفسیر صافی ، فیض کاشانی، ط: اسلامیة، ۱۳۸۲ هـ.ق ، ج ۱، ص ۳۵۳ و منهج الصادقین ملافتح الله کاشی  
 ج ۱، ص ۳۸۱ و تفسیر البرهان سیدهاشم بحرانی ج / ۲۲۶ چاپ سنگی ۱۲۹۵ هـ.ق.
- ۳۵ - تفسیر الجواهر، طنطاوی جوهری ج ۲ / ۳۹.
- ۳۶ - تفسیر طبری ج ۴ / ۳۷ - ۳۹. و التبیان فی تفسیر القرآن ج ۳ / ۱۸۹ و مجمع البیان ج ۳ / ۷۵
- ۳۷ - قال(ص): «لن یفلح قوم ولوا امرهم امرأة».
- ۳۸ - بقره / ۲۲۸ .
- ۳۹ - تفسیر ابن کثیر: ج ۲ / ۲۷۵ - ۲۷۷.
- ۴۰ - تفسیر الکشاف جاراالله زمخشری ، ۱ / ۲۰۴ - ۲۰۵ ط اول مصر شرقی. ولی باید گفت اگر زن بر اثر نزدیکی

- شوهر با او و بدون افراط و تفریط و تمتعات دیگر جان باخته باشد، قصاص نیست و تنها دیه پرداخت می گردد چرا که در قتل غیر عمد به اجماع، فریقین تنها دیه پرداخت می گردد و نه قصاص و همچنین اگر بر اثر تنبیه معمولی آسیب بخورد. به ویژه اگر بر اثر نشوز باشد، در غیر این صورت، قصاص خواهد داشت.
- ۴۱ - حاشیه الشهاب بر تفسیر بیضاوی ج ۳ / ۱۳۳ چاپ بیروت ، دارالصادر .
- ۴۲ - مفاتیح الغیب، فخرالدین رازی، ط عثمانی، ج ۳ / ۳۱۶ ، تفسیر خازن، علاءالدین بغدادی ط: مصر، مطبعه مصطفی محمد ج ۱ / ۴۳۲ .
- ۴۳ - احکام القرآن، قرطبی
- ۴۴ - روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی . سیدمحمد آلوسی ج ۵ / ۲۰ - ۲۳ ، طه، دارالتراث العربی.
- ۴۵ - وزاده بسطة فی العلم والجسم: لایكلف الله نفساً الا وسعها: رجوع شود به تفسیر لطائف الاشارات ، الامام القشیری ۲ / ۲۵ طه دارالکاتب العربی و تفسیر بیان السعادة ج ۱ / ۱۹۷ چاپ سنگی ۱۳۱۴ هـ ش و تفسیر ارشاد العقل السلیم الی مزایا الكتاب الکریم المسمی بتفسیر ابی السعود ج ۱ / ۶۹۱ - ۶۹۲ ، مطبعة الرياض.
- ۴۶ - تفسیر الجلالین دارالکتاب العربی / ۱۱۰ .
- ۴۷ - فی ظلال القرآن، سیدقطب، ط: داراحیاء التراث العربی ج ۵ / ۵۷ - ۶۲ .
- ۴۸ - الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۲ / ۱۵۲ .
- ۴۹ - تفسیر المیزان: ۴ / ۳۵۰ - ۳۵۱ .
- ۵۰ - البدر المنثور ۲ / ۱۵۳ و المیزان، ۴ / ۳۵۰ .
- ۵۱ - المیزان: ۴ / ۳۵۰ به نقل از اصول کافی.
- ۵۲ - تفسیر غرائب القرآن، نظام نیشابوری چاپ مصر - ج ۵ / ۳۳ - ۳۶ .
- ۵۳ - «ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا علیهم بركات من السماء والارض ولكن کذبوا» اعراف / ۹۶ رجوع شود به کتاب الفقه علی المذاهب الخمسة، محمدجواد مغنیه ، کتاب الجهاد.
- ۵۴ - قال رسول الله(ص) جهاد المرأة حسن التبعل، المیزان: ۴ / ۳۵۰ ، به نقل از کافی.
- ۵۵ - رجوع شود به آمار مفاسد اجتماعی در میان قشرهای گوناگون جامعه در گروه‌های سنی متفاوت.
- ۵۶ - هود / ۱۱۵ و یوسف / ۹۰ . «انا لانضیع اجر من احسن عملاً» کهف / ۳۰
- ۵۷ - «والعصر ان الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق...» رجوع شود به المیزان ۴ / ۳۴۷ - ۳۵۲ و رساله بدیعه در تفسیر آیه «الرجال قوامون...».
- ۵۸ - قانون مدنی ماده ۱۰۴۳ اصلاحی ۱۴ / ۸ / ۷۰ .
- ۵۹ - قانون مدنی ماده ۱۰۴۱ .

- ۶۰ - تحرير الروضه / ۳۲۷.
- ۶۱ - تحرير الروضه: ۳۴۴. و قانون مدنى: ۱۱۰۸.
- ۶۲ - تحرير الروضه: ۳۵۰، قانون مدنى ۱۱۳۸.
- ۶۳ - قانون مدنى: ۱۰۵۲، ۸۸۳ و تحرير الروضه ۳۶۳ - ۳۶۹، ۳۶۸ - ۳۶۷.
- ۶۴ - كتاب قصاص و ديات لمعه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی